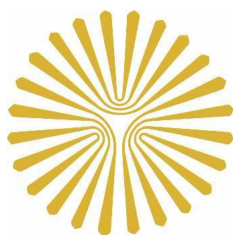


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**دانشگاه پیام نور**

**پایان نامه**

**برای دریافت درجه کارشناسی ارشد**

**در رشته:**

**ادبیات فارسی**

**دانشکده ادبیات و علوم انسانی**

**گروه علمی زبان و ادبیات فارسی**

**عنوان پایان نامه:**

**جامعه شناسی رمان کلیدر**

**استاد راهنما:**

**دکتر جلیل مسعودی فرد**

**استاد مشاور:**

**دکتر محمد ریحانی**

**نگارش:**

**زینب علوی**

**تابستان ۱۳۹۰**

پیشکش

آنان کہ دوستشان دارم

با تشکراز

استادان ارجمند، جناب آقای دکتر محمدریحانی

و جناب آقای دکتر جلیل مسعودی فرد و جناب آقای دکتر آرش قراگوزلو

و سپاس از همشهریان کویری ام، جناب آقای محمود دولت آبادی و جواد اسحاقیان

و دیگر یارانی که در مرور رنج نامه ی مارال و گل محمد یاری ام نمودند.

## فهرست مطالب

شماره	۱- فصل اوّل: مقدّمه
	صفحه
۲.....	۱- ۱) تعریف مسأله.....
۳.....	۱- ۲) اهداف پژوهش.....
۳.....	۱- ۳) پیشینه ی تحقیق.....
۴.....	۱- ۴) روش تحقیق.....
۴.....	۱- ۵) مروری بر فصول پایان نامه.....
۵.....	۱- ۶) اشاره ای به نتایج پژوهش.....
	۲- فصل دوّم: کلیّات
۷.....	۲- ۱) نگرشی به جامعه شناختی ادبیّات.....
۱۳.....	۲- ۲) تعریف و تاریخچه ی رمان.....
۱۵.....	۲- ۳) جامعه شناسی رمان.....
۱۶.....	۲- ۳- ۱) ساخت گرابی تکوینی.....
۲۰.....	۲- ۳- ۲) آگاهی ممکن.....
۲۲.....	۲- ۳- ۳) شی وارگی.....
۲۴.....	۲- ۳- ۴) قهرمان پروبلماتیک.....
۲۵.....	۲- ۴) سال شمار زندگی نویسنده.....

۲-۵) کلیدر رمان حماسه و عشق..... ۲۹

۲-۶) خلاصه ی رمان ..... ۳۰

### ۳- فصل سوّم: تحلیل کلیدر براساس عمده‌ترین نظریات جامعه‌شناسی

۱-۳) ساخت تکوینی کلیدر..... ۳۴

۱-۱-۳) ساختار معنادار..... ۳۴

۱-۱-۱-۳) ساخت تاریخی..... ۳۵

۱-۱-۲-۳) ساخت اجتماعی..... ۳۸

۱-۲-۱-۱-۳) طبقه ی حاکم ..... ۴۰

۱-۱-۲-۱-۱-۳) بزرگ مالکان ..... ۴۰

۱-۲-۱-۱-۳) بازرگانان ..... ۴۱

۱-۲-۱-۱-۳) خرده مالکان ..... ۴۲

۱-۲-۱-۱-۳) دیوان سالاران ..... ۴۴

۱-۲-۱-۱-۳) طبقه ی رعیت..... ۴۵

۱-۲-۲-۱-۱-۳) کارگر ..... ۴۵

۱-۲-۲-۱-۱-۳) عشیره ..... ۴۸

۱-۱-۳) ساخت فرهنگی - سیاسی..... ۵۰

۱-۳-۱-۱-۳) احزاب ..... ۵۱

۱-۳-۱-۱-۳) مذهب..... ۵۴

۱-۳-۱-۱-۳) زنان..... ۶۰

۱-۳-۱-۱-۳) مارال..... ۶۰

۱-۳-۱-۱-۳) زیور..... ۶۲

۱-۳-۱-۱-۳) شیرو..... ۶۳

۱-۳-۱-۱-۳) بلقیس..... ۶۴

۱-۳) عامل جمعی آفرینش ادبی..... ۶۶

۶۷.....(۲-۳) آگاهی ممکن در کلیدر.....

۷۲.....(۳-۳) شی وارگی در کلیدر.....

۷۴.....(۴-۳) قهرمان پروبلماتیک کلیدر.....

#### ۴- فصل چهارم: نتیجه گیری

۸۲.....پیوست.....

۸۳.....فهرست منابع.....

## چکیده

جامعه‌شناسی ادبیات یک دانش میان‌رشته‌ای است و بیان‌گر ارتباط ادبیات با عناصر اجتماعی. این رشته در اواخر قرن نوزدهم با بزرگانی چون لوکاک، گلدمن و... شکل‌گرفت و با ترجمه‌های پوینده به ایرانیان معرفی شد. عمده کار این رشته بررسی متون از منظر جامعه‌شناسی نوین است. مسئله اصلی این تحقیق آن است که آیا می‌توان رمان کلیدر را تحلیل جامعه‌شناختی کرد؟ پاسخ به چرایی این تحلیل، هدف نگارنده و چگونگی آن، مراحل پژوهش را نشان می‌دهد. نگارش پایان‌نامه مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی است. کماینکه به علت وسعت موضوع، نگارنده علاوه بر مطالعه‌ی گسترده‌ی کتب، ناگزیر از مراجعه به مقالات گوناگون و حتی مصاحبه با برخی نویسندگان از جمله نویسنده‌ی رمان بوده‌است. این پژوهش در چهار فصل تدوین شده‌است. اصلی‌ترین فصل آن تحلیل کلیدر براساس عمده‌ترین نظریات جامعه‌شناسی همچون ساخت‌گرایی تکوینی، آگاهی ممکن، قهرمان پروبلماتیک و شی‌وارگی است. ثمره‌ی پژوهش نگارنده عبارت است از اینکه ساختار درونی اثر تا حدّ زیادی باز نمود ساختار جامعه است. دیگر آنکه جهان‌بینی حاکم بر اثر جهان‌بینی طبقه‌ی رعیت است که نویسنده متعلق به این طبقه است. و همین طبقه است که بنابر نظر گلدمن خالق اصلی رمان محسوب می‌شود. نقش نویسنده در انسجام بخشیدن به گرایش‌های این طبقه به صورت تخیلی است.

**کلیدواژه‌ها:** جامعه‌شناسی، کلیدر، ساخت‌گرایی تکوینی، جهان‌بینی



## فصل اوّل : مقدّمه

«من در این کار از سرنیاز ... اراده کرده‌ام که اندام خسته و نیمه خمیده ی انسان ایرانی را،

ایستاده و به‌قامت بینم و بنگرم.» (دولت آبادی، ۱۳۸۱: ۴۲۲)

## ۱-۱) تعریف مساله

جامعه‌شناسی ادبیات یک دانش میان‌رشته‌ای است که رابطه‌ی بین ادبیات و عناصر اجتماعی را تبیین می‌کند. این رشته از شاخه‌های جامعه‌شناسی است که در اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت. جامعه‌شناسی ادبیات در جهان با بزرگانی چون جورج لوکاج، لوسین گلدمن، تئودور آدورنو و میخائیل باختین گره خورده است.

نخستین بار، لوکاج توانست جامعه‌شناسی ادبیات را به علم اثباتی تبدیل کند. کوشش‌های دیگری نیز برای پی‌ریزی جامعه‌شناسی ادبیات صورت گرفته است. اما ظاهراً همه‌ی آن‌ها در جهت منظم کردن افکار و اندیشه‌های کسانی چون لوکاج، گلدمن، سارتر و دیگران بوده است. در ایران نیز کسانی چون غلامحسین صدیقی مباحثی را تحت عنوان «اجتماعیات در ایران» مطرح کردند اما جامعه‌شناسی ادبیات به شیوه‌ی نوین، با ترجمه‌های گران‌قدری که مرحوم جعفر پوینده انجام داده بود، شناخته شد. عمده‌کار این رشته، بررسی متون ادبی از منظر جامعه‌شناختی است. مسئله‌ی اصلی در این تحقیق، آن است که آیا می‌توان رمان کلیدر را تحلیل جامعه‌شناختی کرد؟ پاسخ به چرایی این تحلیل، هدف نگارنده و چگونگی آن، مراحل پژوهش را نشان خواهد داد.

این تحقیق بر آن است که علاوه بر پاسخ به سوال اصلی تحقیق به سوالاتی اساسی از

این دست پاسخ دهد:

۱. ساختار درونی اثر تا چه میزان باز نمود ساختار جامعه است؟
۲. آفریننده‌ی واقعی اثر چه کسی است؟
۳. جهان‌بینی کدام طبقه‌ی اجتماعی در اثر نمود بیشتری دارد؟
۴. نویسنده متعلق به کدام طبقه‌ی اجتماعی است؟

## ۲-۱) اهداف پژوهش

هرچند رمان، گونه‌ی رایج عصر حاضر است اما نقش نقد بر صفحه‌ی آن بسی کم‌رنگ مانده‌است: از سویی رمان ژرف‌تر از دیگر گونه‌ها، می‌تواند ناراستی روزگار را به تماشا بنشیند. پس ناگفته پیداست که جهان ادبی، نیازمند نقد و تحلیل رمان در جهت کیفیت برتر آن است. از سویی کلیدر به عنوان شاهکار ادبی و همچنین اجتماعی بودن آن، نیاز به نگرشی جامعه‌شناختی دارد که با توجه به تازه‌بودن این نوع نقد و به خاطر وجود ابهاماتی که در فهم این مقوله وجود دارد، امید است که نگارنده بتواند در این بزرگ‌راه نقد نوین، گام کوچکی در شناساندن بهتر نقد رمان بردارد.

## ۳-۱) پیشینه‌ی تحقیق

علی‌رغم غنای ادبیات در ایران، جامعه‌شناسی ادبیات سابقه‌ی چندانی ندارد. پس از ترجمه‌های مرحوم پوینده جامعه‌شناسی در شکل نوینی به ایران معرفی شد. بدیهی است که در این راستا آثار ارزشمندی فراروی نگارنده بوده‌است. از آن جمله:

۱- کتاب‌های در آمدی بر جامعه‌شناختی ادبیات، جامعه، فرهنگ، ادبیات و نقد تکوینی، ترجمه‌ی پوینده، شامل مجموعه مقالات تنی چند از جامعه‌شناسان است که خواننده را با تاریخچه‌ی سیر تکامل، روش‌ها و نظریه‌های گوناگون این رشته‌ی نوپا آشنا می‌کند.

۲- جامعه‌شناسی ادبیات به قلم فیلسوف و منتقد رومانیایی، لوسین گلدمن، که به بررسی ساختاری رمان‌های مالرو اختصاص یافته‌است.

۳- واقعیت اجتماعی و جهان داستان از دکتر مصباحی‌پور که علی‌رغم داشتن مقدمه‌ی طولانی و مفید، هر رمان را تنها به فراخور متناسب بودن با نوعی از نقد تحلیل کرده‌اند.

۴- نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی تألیف دکتر عسگری که نویسنده با تأکید بر ده رمان برگزیده، به طور جامع به معرفی این رشته‌ی نوپا پرداخته‌است. اما هیچ‌یک از روش‌های جامعه‌شناسی جدید را در رمان‌های مورد نظر نشان نداده‌است.

۵- کلیدر رمان حماسه و عشق اثر ارزشمند جواد اسحاقیان که با دقت نظر در یازده فصل به نقد و بازخوانی کلیدر پرداخته و بخشی را به تحلیل جامعه‌شناختی آن براساس نظریه ی باربو اختصاص داده‌است. که بی‌شک با کار ما که نقد بر اساس نظریات لوکاچ و گلدمن است، متفاوت است. آثار دیگری تحت این عنوان نگارش یافته که بیشتر به مسائل کلی و عمومی جامعه‌شناسی توجه شده است. آثار زیر از آن دسته اند:

۱. جامعه‌شناسی ادبیات اثر دکتر علی‌اکبر ترابی
۲. جامعه‌شناسی ادبیات فارسی از هدایت ... ستوده
۳. جامعه‌شناسی شعر فارسی تألیف دکتر جواد مهربان

#### ۱-۴) روش تحقیق

نگارش این پایان‌نامه مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و به شیوه ی توصیفی - تحلیلی است. به دلیل تازه بودن موضوع و بین‌رشته‌ای بودن آن، نگارنده علاوه بر مطالعه ی گسترده ی کتب، ناگزیر از مراجعه ی مکرر به مقالات معتبر، نشریات و یا مقالات اینترنتی جهت درک بهتر این مقوله بوده. هر چند از آن به عنوان منبع مورد ارجاع استفاده نشده است. در پاره‌ای از موارد نیز نیاز به گفت‌وگو با برخی نویسندگان از جمله خود نویسنده ی رمان بوده است. با توجه به گستردگی نظریات جامعه‌شناسی، تکیه ی اصلی نگارنده بر جامعه‌شناسی مارکسیستی با تأکید بر نظریات گلدمن به دلیل منسجم بودن آن بوده‌است.

#### ۱-۵) مروری بر فصول پایان نامه

این تحقیق در چهار فصل تدوین شده‌است. در فصل اوّل به اجمال به طرح مسئله ی اصلی تحقیق، پیشینه، روش پژوهش و مروری بر فصول آن پرداخته شده است. فصل دوّم، ضمن نگاهی به سیر جامعه‌شناسی ادبیات به‌خصوص جامعه‌شناسی رمان، به معرفی کلیدر و نویسنده ی آن با ذکر خلاصه‌ای از رمان اختصاص یافته است. فصل سوّم، اصلی‌ترین قسمت پژوهش، جامعه‌شناسی رمان کلیدر است که از رهگذر ساخت‌گرایی تکوینی با تکیه بر ساخت‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی -

فرهنگی رمان تا مرحله ی یافتن عامل جمعی رمان پیش می‌رود و ادامه ی این فصل را تحلیل عمده‌ترین نظریات جامعه‌شناسی چون آگاهی ممکن، قهرمان پروبلماتیک و شی‌وارگی دربرمی‌گیرد. و در پایان نتیجه‌گیری است که آخرین فصل پژوهش را به خود اختصاص داده‌است.

#### ۱-۶) اشاره ای به نتایج پژوهش

۱. ساختار رمان به شکل منسجمی باز نمود جامعه ی روزگار رمان است.
۲. آفریننده ی واقعی رمان گروه اجتماعی است، نه فرد نویسنده.
۳. اثر باز گو کننده ی جهان‌بینی طبقه ی اجتماعی است که نویسنده بدان تعلق دارد.

در خاتمه ضمن امتنان از زحمات استادان گران‌قدرم، جناب آقای دکتر جلیل مسعودی‌فرد، جناب آقای دکتر محمد ریحانی و جناب آقای دکتر آرش قراگوزلو، از عنایات نویسندگان ارجمند، جناب آقای محمود دولت‌آبادی و جناب آقای جواد اسحاقیان و تمامی آنانی که دستان توانمندشان بهانه ی پروازم شدند، نهایت سپاس را دارم.

## فصل دوّم: کلیّات

«فواره ای بلند در روح تو است. بازتاب رساترین قلّه ی کلیدر. نیروی زلال بازوان خود را تو می‌توانی در چشم بلندترین ستاره بیفشانی.» (دولت آبادی، ۱۳۸۰: ۳۶۷)<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> تمام مطالب کلیدر از این منبع استفاده شده‌است: دولت آبادی، محمود، کلیدر، ۱۳۸۰، چاپ پانزدهم، تهران: چشمه.

## ۲-۱) نگرشی به جامعه‌شناختی ادبیات

بحث تعامل بین جامعه و ادبیات از گذشته، بین اندیشمندان، محلّ تأمل بوده‌است. هنگامی که افلاتون در کتاب **جمهوری** از رابطه‌ی شعرا با مخاطبان سخن می‌گوید و تاثیر مثبت شاعر را در زندگی اجتماعی مخاطبان رد می‌کند، به نوعی آغازگر بحث رابطه‌ی ادبیات و جامعه است. پس از افلاتون، ارسطو نیز به بحث محاکات پرداخت و رابطه‌ی تصویر هنری را با واقعیت اجتماعی آشکارا بیان کرد. بنابراین از روزگار باستان تا امروز کسی منکر ارتباط اثر ادبی با اجتماع و تحولات بیرونی نشده است (عسگری، ۱۳۸۶: ۴۵).

برخی معتقدند بحث درباره‌ی رابطه‌ی ادبیات و جامعه معمولاً با این گفته‌ی دوبونالد<sup>۱</sup> که «ادبیات بیان حال جامعه است» آغاز می‌شود (ولک، ۱۳۸۲: ۱۰۰). جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای از طرفی به زبان‌شناسی و فلسفه مرتبط است و از سویی با علوم اجتماعی و تاریخ ارتباط تنگاتنگ دارد. این رشته در اواخر قرن نوزدهم با اثر مادام دواستال<sup>۲</sup> شکل گرفت. وی در سال ۱۸۰۰ میلادی کتابی با عنوان ادبیات از منظر پیوندهایش با نهادهای اجتماعی منتشر کرد. البته این کتاب برخلاف عنوان گیرایی که دارد، در زمینه‌ی ادعایی که نویسنده درباره‌ی بررسی تاثیر دین و آداب و قوانین بر ادبیات دارد چندان کارآمد نیست (عسگری، ۱۳۸۶: ۴۵).

سپس ایپولیت‌تن<sup>۳</sup>، منتقد فرانسوی، ادبیات را محصول سه عامل نژاد، محیط و زمان می‌داند. به عقیده‌ی وی حوادث اجتماعی مولود این سه عاملند. البته به گفته‌ی آلتوسر<sup>۱</sup>، وی نتوانست هدف خود را از علم جامعه‌شناسی در عمل نشان دهد (هارلند، ۱۳۸۲: ۱۵۶).

---

<sup>1</sup> -De Bonald

<sup>2</sup> - Madame Dostal

<sup>3</sup> - Ipolih Ten

«انقلاب صنعتی که در سده ی نوزدهم و نخستین سال های سده ی بیستم بسیاری از جوامع غربی را در نوردیده بود، دست کم به اندازه ی انقلاب های سیاسی در شکل بخشیدن به نظریه ی جامعه شناسی اهمیت داشت. شخصیت های عمده در تاریخ اولیه ی نظریه ی جامعه شناسی کارل مارکس، ماکس وبر، امیل دورکیم همگی به دگرگونی ها و مسائلی که برای کل جامعه پدید آورده بودند، اشتغال ذهنی داشتند.» (ریتزر، ۱۳۸۸: ۷)

نقد ادبی نمی توانست از تاثیر نظریه های تکان دهنده ی مارکس<sup>۲</sup> برکنار بماند. مارکس تاکید می کرد که ادبیات، همانند هر پدیده ی فرهنگی دیگری، بازتاب ساختار اقتصادی جامعه است. حماسه، شعر و نمایش نامه محصول همان نیروهایی است که طبقات اجتماعی را می سازند. مارکس برخلاف برخی پیروانش، پیشرفت اقتصادی را عامل اعتلای فرم ادبی نمی دانست، بلکه بر این عقیده بود که آثار ادبی که غنای چشم گیری دارند در نظام های اقتصادی ابتدایی شکل یافته اند. مانند حماسه ی یونانی که نازل تر از رمان های قرن نوزدهم نیست (هال، ۱۳۸۰: ۱۷۲-۱۷۳).

دکتر تسلیمی به نقل از گورویچ<sup>۳</sup> می نویسد «مارکس از سویی همچون وبر و جامعه شناسان دیگر، طبقه را به مثابه ی قشرها و گروه های حرفه ای در نظر می گیرد و آنها را از جهت پایگاه های اقتصادی، رفاهی و نیز فرهنگی به هفت تا هشت گروه اجتماعی طبقه بندی می کند. اما از جهت تضاد و مبارزات طبقاتی، آن را ساده سازی کرده و همه را به دو طبقه ی بورژوا و کارگر بخش بندی می کند. و آنگاه حقوق بر بادرفته ی طبقه ی کارگر را فاش می سازد و او را در بازپس گیری حقوق خود به نبرد وامی دارد» (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۱۴۷). به نظر مارکس ادبیات یک جریان روبنایی است که حاصل جریان های زیربنایی اقتصادی - اجتماعی است. مارکسیسم ها بیشترین اهمیت را به محتوا می دهند. یعنی فرم را محکوم و از محتوا دفاع می کنند (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۸۷-۲۸۸).

در حالی که برخی جامعه شناسان سده ی نوزدهم همچون پارتو<sup>۴</sup> و موسکا<sup>۵</sup> مخالف نظریه ی مارکس بودند، شماری از مارکسیست ها تلاش هم زمانی را در جهت روشن کردن اندیشه های مارکس

---

<sup>1</sup> - Althusser

<sup>2</sup> - Marx

<sup>3</sup> - Gurvitch

<sup>4</sup> - Pareto

<sup>5</sup> - Mosca



به عمل آوردند. البته از سال ۱۸۵۷ تا ۱۹۲۵ میان مارکسیسم و جامعه‌شناسی کمتر تداخلی وجود داشت (ریتزر، ۱۳۸۰: ۵۰-۵۱). زیرا «گسترش روزافزون سیاست‌های مارکسیستی در سراسر جهان، نظریه‌های ادبی مارکس را در همه‌ی ممالک جهان متداول کرد. مارکسیسم چشم انداز جدیدی گشود که بر غالب تحقیقات ادبی تاثیر فراوان گذاشت.» (هال، ۱۳۸۰: ۱۷۴)

نظریه‌های مارکس، هم‌زمان و پس از او توسط انگلس<sup>۱</sup>، دوست قدیمی‌اش، گسترش یافت انگلس اشاره دارد به اینکه برای دگرگون‌ساختن واقعیت اجتماعی باید واقعیت را به روشنی دید. او بر این باور است که رمان‌های واقع‌گرا می‌توانند به پیشرفت بینشی روشن‌یاری برسند، بی‌آنکه ملزم به موعظه‌کردن باشند (هارلند، ۱۳۸۲: ۲۳۱).

امروزه جامعه‌شناسی ادبیات به نام بزرگانی چون جورج لوکاچ<sup>۲</sup>، لوسین گلدمن<sup>۳</sup>، تئودور آدورنو<sup>۴</sup>، اریش کوهلر<sup>۵</sup> و میخائیل باختین<sup>۶</sup> گره‌خورده‌است. که اکثر اینها پرورش‌یافته مکتب مارکس هستند. هرچند کوشش‌های دیگری در پی‌ریزی جامعه‌شناسی ادبیات صورت گرفته، اما همه به نوعی در جهت منظم کردن افکار و اندیشه‌های کسانی چون لوکاچ و گلدمن بوده‌است.

گلدمن سه مسیر پژوهشی را در جامعه‌شناسی ادبیات بیان می‌کند؛

دسته‌ی اول مجموعه‌ای که بررسی‌های جامعه‌شناختی درباره‌ی چاپ و پخش آثار ادبی می‌پردازد. و مباحثی چون تولید، توزیع و مصرف از اهم مقولات مورد بررسی این رده می‌باشد. نماینده‌ی این گروه، روبراسکارپیت<sup>۷</sup> است (گلدمن، ۱۳۸۱: ۷۰).

گروه دوم: اعضای مکتب فرانکفورت<sup>۸</sup> که نمایندگی آن را لئولونتال<sup>۹</sup>، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه برکلی، بر عهده‌گرفته‌است که در آن «جامعه‌شناس از طریق تحلیل متون ادبی، در صدد یافتن نشانه‌ها و فرانمودهای آگاهی جمعی هر مکان و زمان و شناخت تحولات آن در ارتباط با تحولات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی است. محقق این رشته به شناخت تغییرات کمی و کیفی ساختار

---

<sup>1</sup> - Engles

<sup>2</sup> - Georg Lukas

<sup>3</sup> - Lucien Goldman

<sup>4</sup> - Theodor Adorno

<sup>5</sup> - Erich Kohler

<sup>6</sup> - Mikhail Bakhtin

<sup>7</sup> - Escapit Robert

<sup>8</sup> - Frankfurt

<sup>9</sup> - Leo Lowental

آگاهی جمعی علاقه‌مند است و می‌کوشد تا به روشن‌تر شدن پیوندهای ظریف و نامرئی بین شالوده‌های اقتصادی و فرهنگی جامعه کمک کند.» (شادرو، ۱۳۸۶: ۸) به عقیده ی گلدمن این دو نوع پژوهش هرچند ثمربخش است، اما به شکل حاشیه ای با اثر ادبی ارتباط برقرار می‌کند (گلدمن، ۱۳۸۱: ۷۱):

در پژوهش نوع سوم، جامعه‌شناسی ادبی به معنای اخص آن قرار می‌گیرد. دیدگاه اصلی این گروه آن است که آفرینش ادبی را آفرینش جمعی می‌دانند. در این نوع پژوهش دو دیدگاه سنتی و جدید قرار دارد. دیدگاه نخست، آثار مادام دواستال و ایپولیت تن را تا بسیاری از آثار جامعه‌شناسی معاصر از جمله اکثر آثار مارکسیستی سنتی را در برمی‌گیرد که عمده نظر آنان، برقراری ارتباط بین آگاهی جمعی جامعه یا طبقه با محتوای اثر ادبی است و دیدگاه دوم، دیدگاه جدید، که به عنوان جامعه‌شناسی نوین مطرح است، با اندیشه های لوکاچ آغاز می‌گردد (همان: ۷۱-۷۲).

قبلا به تاثیر اندیشه‌های مارکس بر غالب تحقیقات ادبی اشاره‌شد. شادرو به نقل از ریتزر<sup>۱</sup> در کتاب نظریه ی جامعه‌شناسی معاصر تاثیر یافتگان اندیشه‌های مارکس را با عنوان نئومارکسیسم این‌گونه طبقه‌بندی می‌کند. «اصحاب جبریت اقتصادی (کائوتسکی، برنشتاین)، هگل‌گرایان، (لوکاچ، گرامشی)، مکتب انتقادی فرانکفورت (هورکهایمر، آدورنو و...، ساختارگرایان (آلتوسر، پولانزاس، گودلیه)، اقتصاددانان (باران، سوییزی)، تاریخ دانان (والرشتاین).» (شادرو، ۱۳۸۶: ۱۶)

اما انقلاب واقعی در جامعه‌شناسی ادبیات و تبدیل آن به علم اثباتی به آثار لوکاچ مربوط می‌شود که از برترین شایستگی‌های آن، ممکن‌ساختن پیوند جامعه‌شناسی ادبیات با زیبایی‌شناسی کلاسیک و دیالکتیک کانت، هگل و مارکس است (گلدمن، ۱۳۸۱: ۷۲). لوکاچ از همان آغاز عنوان ساخت که قصد ندارد کار مارکسیست‌ها را در زمینه ی چیزوارگی<sup>۲</sup> مردود شمارد، بلکه برآن است که افکار آنها را بسط دهد. او با مفهوم مارکس از کالا، که آن را به عنوان «مسئله ی اصلی و ساختاری جامعه ی سرمایه‌داری» مشخص ساخته بود، کارش را آغاز کرد (ریتزر، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

لوکاچ «یکی از تاثیرگذارترین منتقدان نقد سیاسی یا اجتماعی در طول تاریخ است و مخصوصا اهمیت او در یافتن پیوندهایی میان رمان‌های بزرگ و مسائل اجتماعی عصر است. در

<sup>1</sup> - Ritzer

<sup>2</sup> -Reification

دوره‌ای که فاشیسم در ایتالیا، نازیسم در آلمان و استالینسم در شوروی بیداد می‌کرد، کتب انتقادی لوکاچ برای روشن‌فکران اروپا جاذبه بسیاری داشت.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۹۱)

لوکاچ در سال ۱۹۱۰ اولین اثر خود را با عنوان *جان و صورت* منتشر کرد و در آن به بررسی مقالاتی از شاعران و نویسندگان اروپایی پرداخت. دوّمین اثر وی کتاب *نظریه ی رمان* است که نویسنده به تفاوت دنیای حماسه و رمان می‌پردازد و به اعتقاد وی این کتاب «نخستین اثری است که دستاوردهای فلسفه ی هگل را به شیوه ای منسجم در زمینه ی زیبایی‌شناسی پیاده کرده‌است.» (مصباحی پور، ۱۳۵۸: ۱۸) لوکاچ کتاب دیگر خود به نام *تاریخ و آگاهی طبقاتی* را پس از پذیرش عضویت در حزب کمونیست می‌نویسد (همان: ۲۰). و در واقع اثری تعیین‌کننده برای جامعه‌شناسی ادبیات است که در آن لوکاچ ساختارهای ادبی را با ساختارهای اجتماعی پیوند می‌دهد (پوینده: ۱۳۷۹: ۱۰۰).

لوکاچ ستایش‌گر پرشور رئالیسم است. وی با توجه به دیدگاه مارکسیستی ادبیات بورژوازی را یکسره مردود می‌شمارد و بر ادبیات رئالیستی تاکید می‌کند. او بالزاک<sup>۱</sup> را نمونه ی نویسندگان بزرگ رئالیست می‌داند زیرا گزارش‌گر صریح واقعیت است. وی جیمز جویس<sup>۲</sup> را به عنوان یک هنرمند می‌پذیرد اما دیدگاه تاریخی او را نفی می‌کند. زیرا به نظر او نویسندگان مدرنیست از درک ماهیت تاریخی و وجود حقیقی انسان ناتوانند. از این دیدگاه لوکاچ به اصالت محتوا در برابر فرم می‌رسد (عسگری، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۴).

پس از لوکاچ، گلدمن شناخته‌شده‌ترین محقق در عرصه ی جامعه‌شناسی ادبیات و به خصوص جامعه‌شناسی رمان است. گلدمن معتقد است که هرچند مسئله ی جامعه‌شناسی رمان ذهن بسیاری را به خود مشغول داشته، اما تا کنون پیشرفت چندانی در این زمینه صورت نگرفته‌است. و تلاش‌های محققان به دلیل نداشتن روش علمی، همواره به این نکته محدود شده که ادبیات به‌هرروی انعکاس جامعه در متنی هنری- ادبی است (همان: ۵۴-۵۵).

---

<sup>۱</sup> - Balzak

<sup>۲</sup> - James Joyce

گلدمن برخی از مفاهیم جدید مارکیستی را مطرح می‌کند که عمدتاً برگرفته از اندیشه‌های مارکس و لوکاچ است. مفاهیمی چون قهرمان پروبلماتیک<sup>۱</sup>، آگاهی ممکن<sup>۲</sup>، شی‌وارگی<sup>۳</sup> و... «او می‌کوشد به یاری این الگوها روش مثبتی برای بررسی آثار فلسفی و ادبی بیابد. این روش را ساخت‌گرایی تکوینی<sup>۴</sup> می‌نامد» (مصباحی پور، ۱۳۵۸: ۲۱). هرکدام از مفاهیم ارائه‌شده توسط گلدمن توضیح ویژه‌ی خود را که در قسمت جامعه‌شناسی رمان به تفصیل از آن سخن خواهد گرفت.

اندیشمندان دیگری چون باختین، آدرنو، کوهلرو... نظریات گوناگونی را در تکمیل اندیشه‌های مارکسیستی پروراندند اما «هرگز یک چشم‌انداز واحد مارکسیستی در مورد ادبیات پیدایش نیافت. لوکاچ و آدرنو به موضع‌گیری‌های متناقضی رسیدند در حالی که نوشته‌های بنیامین و برشت موضع‌گیری سوّمی شکل می‌گرفت، سلیقه‌های ادبی متفاوت به بحث‌های نظری جداگانه‌ای رهنمون شدند.» (هارلند، ۱۳۸۲: ۲۲۴) که پرداختن به این نظریات علاوه بر گستردگی مقولات خارج از حیطه‌ی پژوهشی نگارنده است.

جامعه‌شناسی ادبیات در ایران سابقه‌ی چندانی ندارد. آنچه بیشتر در اذهان است «اجتماعیات در ادبیات» است. اما پس از ترجمه‌های ارزشمند پوینده و کتاب واقعیت اجتماعی و جهان داستان اثر دکتر ایرانیان، جامعه‌شناسی به شیوه‌ی نوین در ایران مطرح شد.

## ۲-۲) تعریف و تاریخچه‌ی رمان

رمان رایج‌ترین نوع ادبی روزگار مدرن است که با وجود تنوع در شکل و محتوا، به‌سختی می‌توان تعریف جامعی از آن به‌دست داد. الن مسی<sup>۵</sup>، معتقد است هیچ تعریف قانع‌کننده‌ای از رمان وجود ندارد. اتفاق افتاده است که کتابی در کشوری به عنوان رمان منتشر شده، حال آنکه در کشوری دیگر به عنوان آثار غیرداستانی معرفی شده است. وی اطلاق واژه‌ی رمان را به اثر منوط به نظر ناشر می‌داند (مسی، ۱۳۸۶: ۲۳۹). برخی نیز چون لور<sup>۶</sup>، بدیع بودن رمان را دلیل عدم تعریف آن می‌دانند

---

1- Problematique heros  
2- Possible Conscience  
3- Rrefication  
4- Genetic structuralism  
5- Elen Messi  
6 Lever